بسم‌اللّٰه الرّحمن الرّحیم

 اَلحَمدُ لِلِه رَبِّ العالَمینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا وَ حَبیبِ اِلهِنا اَبِی‌القاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلّی اللهُ عَلَیْهِ وَ عَلی آلِهِ الطّاهِرِینَ سِیَّما بَقِیَّةُ اللهِ الاَعظَم مَولانَا حُجَّةِ ِبنِ الحَسَن عجّلَ الله تَعالی فَرَجَهُ وَ لَعنَةُ اللهِ عَلی اَعدائِهِم اَجمَعینَ اِلی قِیامِ یَومِ الدّین

 اَلسَّلامُ عَلَى الْمَهْدِیِّ الَّذی وَعَدَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الاُمَمَ اَنْ یَجْمَعَ بِهِ الْکَلِمَ، وَیَلُمَّ بِهِ الشَّعَثَ، وَ یَمْلاَ بِهِ الاَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً، وَیُمَکِّنَ لَهُ وَیُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنینَ

السَّلامُ عَلَیْکَ یا اَباعَبْدِاللَّهِ وَ عَلَی الاْرْواحِ الَّتی حَلَّتْ بِفِناَّئِکَ عَلَیْکَ مِنّی سَلامُ اللَّهِ [اَبَداً] ما بَقیتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهارُ وَ لاجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی لِزِیارَتِکُمْ اَلسَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَ عَلی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلی اَوْلادِ الْحُسَیْنِ وَ عَلی اَصْحابِ الْحُسَیْنِ

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۖ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۖ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ[[1]](#footnote-1)

به تناسب ایام که ایام عزاداری امام سید الشهداء علیه السلام است و ما تشکیل مجالس می‌دهیم و عرض مودت می‌کنیم به آستان اقدس شهداء کربلا علیهم السلام این آیه امروز مورد بحث واقع بشود که در سورۀ بقره است آیۀ 134 سورۀ بقره.ترجمۀ آیۀ شریفه اینه تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ تِلْكَ اسم اشاره است به اصطلاح اشاره می‌کند به انبیاء سلف علیهم السلام که قبل از این آیه سخن از اونها به میان آمده پیغمبران گذشته و امتهای سالفه که بعضی مطیع بودند بعضی متخلف بودند اونها را خدا بیان می‌کند که مطیعین به پاداش خودشان می‌رسند متخلفین هم کیفر می‌بینند بعد می‌فرمایند تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ گذشتگان جماعتی بودند که گذشته اند تمام شده کارشان خب نیکانشان به پاداش رسیده اند و می‌رسند بدانشان به کیفر رسیده اند و می‌رسند هر چه بود مال خودشان لَهَا مَا كَسَبَتْ اعمالشان مال خودشان چه اعمال خوبشان چه اعمال بدشان وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ شما هم اعمالتان برای خود شماست اعمال خوب دارید مأجورید اعمال بد دارید مسئولید کار اونها به شما ارتباطی ندارد یا بد بودند یا خوب بودند اونها مأجور یا مسئول اعمالشان شما هم مأجور یا مسئول اعمالتان لام لها و لکم هم در اینجا لام اختصاصه به معنای نفی نیست این لهو علیه گفته میشه لَهَا مَا كَسَبَتْ اعمال خوب و بدشان برای خودشان است وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ اعمال بد و خوب شما برای خود شماست وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ هرگز شما را نسبت به اعمال اونها مسئول قرار نمی‌دهند.شما مسئول اعمال گذشتگان نیستید و شما مأجور اعمال خوب اونها هم نیستید به شما ارتباطی نداره شما هستید و اعمال خودتان لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۖ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ این آیه دو بار تکرار شده در همین سورۀ بقره اون هم با فاصلۀ شش آیه این آیه اول 134 بعد هم 141 یعنی شش آیه فاصله شده این آیه به همین صورت به همین عبارات تکرار شده دوبار

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۖ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۖ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ تکرار در قرآن نشان تأکید بر مطلبه.تأکید هم کاشف از اهمیت مطلبه.یعنی مطلب مطلب مهمیه که این تکرار می‌شود مطلبیه که شما به صرف اینکه گذشتگان خوب بوده اند شهداء کربلا خوب بودن این خوب بودنشان شما هر چه هم بگید خوب بوده اند یه سلام کنید برشان شما را در ردیف اونها قرار نمیده شما در ردیف نیکان حساب نمی‌شوید بدها را گذشتگان هر چه بدشان را بگید باز هم به سعادت شما نفعی ندارد اعمال شما هست که شما را اگر خوب بود به خیر و سعادت می‌رساند اگر بد بود به کیفر و شقاوت می‌رساند البته درود بر گذشتگان خوب و نفرت از گذشتگان بد خیلی خوبه بسیار خوبه اما در عین حال جوری نیست که شما را سعید قرار بده به همین کیفیت که چون تعریفشان می‌کنید به خاطر همین تعریف سعید باشید چون اونها را بد میگید به خاطر همین بد گفتن شما شقی باشید یا سعید باشید بد گفتن اونها شما را به سعادت برساند و نیک گفتن اونها درود بر اونها هم شما را به سعادت برساند.بسیار خوبه در هر درجه ای انسان نسبت به خوبان خوشبین باشه نسبت به بدها بدبین باشه این خودش یک مرتبۀ از مبارزه با بدی هاست این درسته ولی در عین حال اینجور نیست که شما را به کمال سعادت برساند لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ در سورۀ یوسف هم آخرین آیه از سورۀ یوسف اونجا هم می‌خوانیم لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۗ [[2]](#footnote-2)1 گذشتگان را اگر ما قصه و داستانشان را بیان می‌کنیم این منظور عبرتی ست که خردمندان عبرت بگیرند یعنی بدانند اونها چرا به سعادت رسیدند و مقابل چرا به شقاوت رسیدند ملاک را به دست بیاورند خودشان در مرحلۀ زندگی شان پیاده کنند و از ملاک شقاوت پرهیز کنند عبرت باشه قصه نمی‌خواهیم بگیم لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۗ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ[[3]](#footnote-3)2 قصه هایی که ما در قرآن که میگیم ساختگی نیست مثل این رمان ها که می‌نویسند چیزهای دروغی را به هم می‌بافند و جالب هم گاهی می‌بافند نه قرآن اینجور نیست مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ قصه های ساختگی نیست وَلَٰكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ [[4]](#footnote-4)3 بلکه تصدیق می‌کند تأیید می‌کند مصداق نشان می‌دهد نسبت به گذشتگان که سر راه شما بوده اند تصدیق می‌کند خوبان اونها را و شقاوت بدان اونها را وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ  هر چیزی که مورد نیاز انسان باشد در امر سعادت و تکامل بیان می‌کند وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ انسانهایی که می‌پذیرند برای اونها هدایت می‌کند روشنگری می‌کند راه را نشان میده وقتی از این راه رفتند مشمول رحمت واقع می‌شوند هدایت می‌کند روشنگری می‌کند راه را نشان میده وقتی از این راه رفتند مشمول رحمت واقع می‌شوند به راه بروند توی راه که حرکت کردند رحمت خداوند شامل حالشان می‌شود

 هُدیً وَ رَحْمَةً لِقَومٍ یُؤمِنونَ [[5]](#footnote-5)1باز در سورۀ هود این آیه هست که کُلًّا نَقُصُّ عَلَیکَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُل [[6]](#footnote-6)2ما قصه های گذشتگان را برای شما نقل می‌کنیم نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَکَ[[7]](#footnote-7) تا اینکه این قلب تو ثبات پیدا کند معیار و ملاک سعادت بدست بیاد و به روح شما و به جان شما نیرو بدهد نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَکَ و آخرش هم وَ مَوعِظَةٌ وَ ذِکْرَی لِلمؤمِنینَ [[8]](#footnote-8) برای اهل ایمان پند باشد یادآوری باشد که چه کار بکنند از چه راهی بروند که به سعادت اونها برسند و چه راهی بوده شقاوت که پرهیز کنند این هدف ماست خب قرآن نشان میده دو تا آیه از سورۀ بقره و یک آیه از سورۀ یوسف و یک آیه از سورۀ هود و بعد ما در زیارت عاشورا هم چه می‌خوانیم؟ زیاد می‌خوانیم زیارت عاشورا خب شعار ما شده همه جا چه می‌خوانیم؟ فَاسْئَلُ اللهَ الَّذِی اَکرَمَنی بِمَعرِفَتِکُم وَ مَعرِفَةِ أَولِیَائِکُم وَ رَزَقَنِی البَراءَةَ مِن أَعْدائِکُم أَن یَجعَلَنِی مَعَکُم فِی الدُّنیا وَ الآخِرَةِ وَ أَن یُثَبِّتَ لِی عِندَکُم قَدَمَ صِدقٍ فِی الدُّنیا و الآخِرَةِ[[9]](#footnote-9)5 این جملات را همیشه می‌خوانیم دیگه تأمل می‌کنیم درش ببینیم منظور چی هست چی میگیم اصلا؟ چی میگیم به اونها؟ ای اهل بیت پیغمبر ای خاندان رسالت من از خدا می‌خواهم که اون خدایی که مرا به خاطر معرفت شما گرامی داشته به من خیلی لطف کرده به من عنایت کرده کرامتی به من داده که شما را هم می‌شناسم خب همینجا یعنی چه می‌شناسم؟معرفت یعنی چه اصلا که خدا کرامت داده به من.من شما را می‌شناسم چجور می‌شناسم؟انقدر شما را می‌شناسم که اسم شما حسین علیه السلام است و پدر شما علی علیه السلام مادر شما فاطمه علیه السلامه بعد چند سال عمر کردید و بعد در کربلا شهید شدید این مقدار؟این یه کرامتیه اگر کسی اینجور بشناسد این کرامتیه؟که خدا منت گذاشته اسم این آقا را می‌دانیم پدرشم می‌دانیم مادرشم می‌شناسیم مولودش هم می‌دانیم سوم شعبان بوده شهادتشان هم در عاشورا بوده و می‌شناسیم دیگه همین یه کرامتیه که مَعرِفَةِ أَولِیَائِکُم می‌دانیم با شما چجور فداکاری کردند حبیب چه کار کرد مسلم چه کار کرد؟ظهیر چه کار کرد اینها را می‌شناسیم خب همین مقدار یه کرامتیه ما اینها را بشناسیم این را که همه می‌شناختند خب شمر هم می‌شناخت به همین کیفیت دیگه خب اینها می‌شناختند به این کیفیت خب این چه کرامتی است؟و دنبالش وَ رَزَقَنِی البَراءَةَ مِن أَعْدائِکُم برائت از دشمن شما را هم رزق من قرار دادی.خب یعنی چه؟خب برائت چی کدام؟یعنی اینکه لعنت نفرت بر اونها این رزق است؟رزق یعنی آدم چاقش کنه فربه کنه رزق بگه این چلوکباب رزق منه چلو کباب اون گوشه افتاده من اینجا گرسنه این رزق منه این؟می‌بینمش این رزق منه رزق وقتی است که بخورم وقتی که خوردم سیر می‌شوم شاداب می‌شوم با نشاط می‌شوم نیرو می‌گیریم این میشه رزق حالا می‌گیم برائت از شمر و یزید و خولی این رزق منه یعنی چی این رزق منه؟لعنت بر شمر این رزق منه؟چیکار می‌کند این؟فربه می‌کند چاق می‌کند نشاطی به ما می‌دهد یعنی چی برائت؟جز اینه که من بشناسم اونها مردمی بودند منحرف از دین از خدا مردم دروغگو مردم خائن و چون او را می‌شناسم تبرّی می‌کنم فاصله می‌گیریم از اونها فاصله که گرفتم قهرا از اونها فاصله می‌گیرم به امام حسین نزدیک می‌شوم اعمال او را می‌گیرم افکارش را می‌گیرم قهرا می‌شوم رحمت نورانیت لطافت پس این رزق وقتی ست که من بفهمم برائت از شمر و یزید و خولی یعنی چه؟چطور رزق من شده چطور فاصله بگیرم از اونها و چطور به اونها نزدیک بشوم تا رحمت شامل حال من بشود بشه مَعَکُم ، أَن یَجعَلَنِی مَعَکُم این معیّت چجور میشه که همراه باشم با اونها همراه بودن به چه کیفیته؟خب همینه از افکار و اخلاق و اعمال یزیدیان فاصله گرفتن افکار و اخلاق و اعمال حسین علیه السلام و اولیائش را گرفتن این میشه معیّت میشه با اونها هستم این میشه معیّت دیگه.خب این اگر شد ما درش شکر کنیم هی زیارت عاشورا می‌خوانیم آیا واقعا توجه داریم به این مطلب که چه می‌خواهیم معرفت اونها یعنی چه؟برائت از اعدائشان یعنی چه؟معیّت با اونها یعنی چه؟ فِی الدُّنیا وَ الآخِرَةِ همراه شما باشیم در دنیا افکار و اخلاق و اعمال شما را داریم در آخرت هم در بهشت شما هستیم دیگه باید به این کیفیت باشه در دعای ابوحمزه ثمالی که می‌خوانیم سَیِّدی اَخرِج حُبَّ الدُّنیا مِن قَلبی وَ اجمَعْ بَینی و بَینَ المُصطَفی وَ آلِهِ خِیَرَتِکَ مِن خَلقِک[[10]](#footnote-10)1 یعنی آقای من خدای من حب دنیا را از اول از دلم بیرون بکن تا من بتوانم با رسول خدا و اولیائش و اهل بیتش با هم باشیم.این معلوم میشه که تا آدمی به حب دنیا آلودگی دارد نمی‌تواند با اونها باشه وَ اجمَعْ بَینی نخواهد بود این درست نیست آدمی که آلوده است به همۀ کثافات بگه منو با پیغمبر پاک جمع کن یه جا این که نمیشه اصلا.آلوده ها را با پاک ها یه جا جمع نمی‌کنند آدم خودش هم روش نمیشه بره حالا بعضا بخوان ببرن نمیشه اصلا بره خجالت می‌کشه که من آلوده کجا و اون پاکان کجا؟اینهایی که ما می‌خوانیم باید توجه داشته باشیم دیگه ابو حمزه را هر شب در ماه رمضان می‌خوانیم زیارت عاشورا هر روز می‌خوانیم همیشه هست در همه جا خب بسیار خب خیلی خوبه ولی بسیار مسئلۀ ناقصیه نمی‌خواهیم بگیم نباشد اینها باشد اکتفا نشود به اینها چون اکتفا به اینها کردن که در حد نقصه یعنی حرکت نمی‌کند اصلا یه مرتبۀ بسیار ناقصیه بسیار لازمی هست که بله من هستم دوست دارم از دشمنش هم برائت دارم اما خب خود مودت از این طرف برائت از اون طرف واقعا باید یه مصداق خارجی داشته باشه اینطور که نباشه که مثلا ما دور هم جمع بشیم عرض شده است این بیمار به طبیب مراجعه می‌کند نسخه میگیره دیگه ما دور هم جمع بشیم مثل همۀ بیمارها بعد یه بیمار مردنی هم بالا بشینه از همه مردنی تر او بنا کنه برای این بیماران نسخه بخوانه همه هم با هم بخوانند او بخواند بقیه بخوانند بعد هم از درد بنالند هی توو سر خودشان بزنند از درد خب این چی میشه؟همۀ بیماران جمع بشوند یه بیمار هم بره بالا نسخه را بخواند برای اونها اونها هم هماهنگی کنند با این نسخه هی داد و فریاد راه بیفتد خب این چه اثری داره؟خب غالبا اینجور شده واقعش اینجوره دیگه ما بیمارهایی هستیم آدم نباید از اغرارش خودداری کنه بیمارهایی هستیم حب دنیا سراپای جان ما را گرفته است این همه بازار مردم مسلمان شیعه رباخواری رواج پیدا کرده این آلودگی نیست؟ما آلودگانی هستیم تا برسه به رشوه خواری و انواع و اقسام مظالم.خب ما دور هم جمع می‌شویم قرآن نسخۀ ماست زیارت عاشورا نسخۀ ماست اینها را می‌خوانیم با هم دیگه همینه دیگه یعنی بیماران جمع می‌شوند با هم نسخه می‌خوانند و معتقدند که شفا یافته اند آیا درسته؟بیماران جمع بشوند نسخه ها را بخوانند با هم دیگر از درد هم بنالند و توو سر خودشان هم بزنند بگن خب خوب شد شفا یافتیم دیگه این که مسلمه اینجور نیست نسخه را برای عمل کردن دادن.یا قصه گویانی باشیم که فقط قهرمان ها را معرفی کنیم بگیم موسی بن عمران علیه السلام چنین بود فرعون اینجور بد بود بعد معاویه چنین بد بود بعد علی علیه السلام چنین خوب بود یزید اینجور بود خب این میشه قصه.قصه گویانی می‌شویم وقت گذران اونوقت فکر می‌کنیم که قهرمان داستان ماییم قهرمان داستان کربلا خوبش امام حسین بوده بدش هم یزید بوده هر دو قهرمان بودند او قهرمان در خباثت بوده او قهرمان در طهارت بوده ما هم داریم قصۀ اونها را می‌گوییم خب با این گفتن ما قهرمان شدیم ما؟یعنی قهرمان نیکان شدیم مثل امام حسین مثل ظهیر ابن قین شدیم؟چطور آدم میگه که یا لَیتَنی کنتُ معکم فَأفُوزَ فَوزا عظیما[[11]](#footnote-11)1 با شما بودیم ما معلوم نیست اگر روز عاشورا بودیم کجا بودیم اصلا کدام طرف می‌رفتیم؟! آدم نباید خیلی مطمئن بشه به خودش.مگر اونهایی که اونوقت بودند چه بودند ما خیلی دیگه بالا رفته ایم چطور نیامدند دنبال امام حسین؟ خیلی ها هم آمدند اعتراض می‌کردند از خوباشان اعتراض می‌کردند عبدالله ابن عباس اعتراض داشت ابن حنفیه اعتراض داشتند که آقا صلاح نیست بروید به این کیفیت.خب معلوم نیست ما اگر اونوقت اونجا بودیم واقعا توی خیمه گاه می‌رفتیم یا اون طرف می‌رفتیم معلوم نیست به قول یکی از آقایان خدا را شکر کنیم که اونجا نبودیم شما را نکشتیم آدم مطمئن از خودش که نیست مغرور بشویم که خیر من از حبیب ابن مظاهر کمتر نیستم الان خب زندگی نشان میده دیگه کسی از پول نمی‌گذرد از ربا که انقدر خودش خوانده است قرآن گفته امام حسین گفته به این کیفیت گناه بزرگیه چطور از جانش می‌گذرد؟کسی که از پول نمی‌گذرد از رشوه جرأت ندارد که بگذرد از ربا چطور میگه یا لَیتَنی کنتُ معکم ؟ با شما بودم از جان می‌گذشتم به این سادگی نیست از جان گذشتن بعد قرآن هم میگه من یه سنتی دارم خدا کلمۀ سنت در قرآن خیلی تکرار شده من سنت دارم برنامه دارم روشی دارم طبق قانون اگر مردمی عمل نکنند من اینها را می‌کوبم نابودشان می‌کنم رسوا می‌کنم مفتضح می‌کنم کیفر می‌دهم این سنتشه چند آیه یادداشت کرده بودم که عرض می‌کنم چقدر خب دقت را نشان میده سُنَّةَ اللهِ فِی الَّذِینَ خَلَوْا مِن قَبلُ[[12]](#footnote-12)2 خداوند یه سنتی دارد در گذشتگان عمل کرده همین سنت در شما هم هست وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللهِ تَبدِیلاً [[13]](#footnote-13)3 ممکن نیست سنت خدا تغییر پیدا کنه سنت من همینه متخلفین از قانون آسمانی من که من قانون وضع کردم که این برای لعو و تمسخر که نیست قانون وضع کردم اگر کسی از قانون من تخلف کند کوبیده میشه سُنَّةَ مَن قَد أَرسَلْنَا قَبلَکَ مِن رُسُلِنَا وَ لَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحوِیلاً [[14]](#footnote-14)4

قُل لِلَّذِینَ کَفَرُوا إِن یَنتَهُوا یُغفَر لَهُم مَا قَد سَلَف[[15]](#footnote-15)5 بهشان بگو اگر چنانچه شما دست بردارید از این زشت کاری هاتون نمی‌آمرزم شما را یُغفَر لَهُم مَا قَد سَلَف وَ إِن یَعُودُوا فَقَد مَضَت سُنَّتُ الأوَّلِینَ[[16]](#footnote-16)6 اگر بخواهید برگردید باز به بی راهه و کج روی بدانید سنت اولین هنوز محفوظه سنت گذشتگان از بین نرفته تا آخرین روز عمر دنیا سنت من ثابته وَ لَا یَحِیقُ المَکرُ السَّیِّئُ إلَّا بِأهلِهِ[[17]](#footnote-17)1 هر کار بد و نقشه های بد دامن گیر خود شما میشه دامن شما را خواهد گرفت فَهَل یَنظُرُونَ إلَّا سُنَّتَ الأوَّلِینَ[[18]](#footnote-18)2 آیا انتظاری جز همون روش گذشتگان را دارند؟همون سنتی که با اونها داشتند با شما هم دارند. مکر سیئ دامنگیر شما خواهد شد فَلَم یَکُ یَنفَعُهُم إِیمَانُهُم لَمَّا رَأَوْا بأسَنَا[[19]](#footnote-19)3 اگر اینقدر کج روی بکنید تا اینکه عذاب من بر سر شما نازل بشود اونوقت هم بگید توبه کردم دیگه قبول نیست فَلَم یَکُ یَنفَعُهُم إِیمَانُهُم لَمَّا رَأَوْا بأسَنَا سُنَّتَ اللهِ الَّتِی قَد خَلَت فِی عِبادِهِ وَ خَسِرَ هُنَالِکَ الکافِرُونَ[[20]](#footnote-20)4 خب این هم آیات قرآن هی تکرار می‌کند که به سنت من بی اعتنایی نکنید قانون را سبک نشمارید من قانون که وضع کردم دنبالش هم هستم متخلفین محکوم به کیفرند مطیعین پاداش و رحمت و کرم ما را دارند خود حضرت امیر علیه السلام در خطبه ای به یارانش می‌فرمود شما مغرور به این نشوید که من امام شما هستم پس در دنیا و آخرت شما خیر می‌بینید اینجور نیست وقتی که دنبال من طبق قانون آمدید در دنیا هم سعید در آخرت هم سعید بسیار خب.اگر بخواهید تخلف کنید نه دشمن بر شما غالب می‌شود مغلوب این نشید که امام ما علی علیه السلام هست پس دیگه ما کمبودی نداریم این نیست قسم می‌خورد وَ اللهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ القَومَ سَیُدَالُونَ مِنکُم[[21]](#footnote-21)5 به خدا قسم من مطمئنم که این مردم یعنی معاویه و اطرافیانش بر شما مسلط خواهند شد حکومت را اونها خواهند گرفت خب گرفتند دیگه قریب بیست سال معاویه بر مردم حکومت کرد دنبالش هم اونها آمدند یزید آمد مروان آمد و بنی مروان آمدند بنی امیه آمدند قسم می‌خورد امام به خدا قسم من مطمئنم همین زودی بر شما مسلط می‌شوم چرا؟چون چند تا عیب در شما هست یکی که إِجتِمَاعِهِم عَلَی بَاطِلِهِم وَ تَفَرُقِکُم عَن حَقِّکُم شما با اینکه در مسیر حق هستید تفرق دارید پراکندگی دارید از هم جدایید اونها مجتمعند پیروان معاویه با هم مجتمعند متحدند ولو راهشان باطله باشه قانون عالم اینه هر جمعیتی ولو باطل باشند در همون راهشان متحد باشند و متفق می‌رسند به اون هدفشان.سنت اینه اینجور نیست که اگر مردم خوب بودند امامشان خوب بود ولو تخلف هم بکنند به سعادت می‎رسند اینجور نیست اطرافیان معاویه ولو باطلند ولی چون متحدند و نسبت به همون امامشان امانت دارند بیعت را نمی‌شکنند پیمان شکن نیستند مطیع او هستند به اندازه ای مطیع هستد که اگر بگه روز چهارشنبه نماز جمعه بخوانیم می‌خوانند اطاعته از جهت اطاعت خوبه ولو اینکه از جهالت بده جاهلند جهل بده اما از جهت اطاعتشان خوبند دیگه مطیع فرمان او هستند شما نیستید مطیع فرمان من نیستید فرمود لَا رأیَ لِمَن لَا یُطَاع[[22]](#footnote-22)6 وقتی منی که اطاعت نمی‌شوم نظری ندارم رأیی ندارم اونها اجتماع دارند متفقند در باطلشان شما تفرقه دارید اونها مطیع امامشان هستند و شما نیستید اونها امانت را به او تحویل می‌دهند به همون امامشان چون بیعت کردند با او تا آخرش ایستاده اند پیمان شکن نیستند من به شما اعتماد ندارم در این جمله هست جوری که اگر من یک کاسۀ چوبی دسته دار به یکی از شما بسپارم می‌ترسم دسته اش را قطع کنه به من بده برا خودش برداره از یک کاسۀ چوبی دسته دار شما نمی‌گذرید امانت به من تحویل نمی‌دهید چطور با شما کار کنم؟و سعادت دنیا را تأمین کنم؟شدنی نیست وَ اللهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ القَومَ سَیُدَالُونَ مِنکُم إِجتِمَاعِهِم عَلَی بَاطِلِهِم وَ تَفَرُقِکُم عَن حَقِّکُم وَ بِمَعصِیَتِکُم إمامَکُم فِی الحَقِّ وَ طَاعَتِهِم إمَامَهُم فِی البَاطِل [[23]](#footnote-23)1شما امام حقتان را معصیت نافرمانی می‌کنید اونها امام باطلشان را تبعیت می‌کنند وَ بِأَدَائِهِم الأَمَانَةَ إِلَی صَاحِبِهِم امانت را به اون امامشان تحویل میدن یعنی بیعت. بیعت کردن با او تا آخر هم می‌ایستند ولی شما پیمان شکنید مگر قاسطین نبودند مگر ناکثین نبودند سه گروه شدند قاسط ناکث مارق چه جنگ هایی به وجود آوردند با مولا علیه السلام وَ بِصَلَاحِهِم فِی بِلَادِهِم یه عیب دیگر اونها در اون شهرهای خودشان با هم خوبند برای خودشان خوبند حالا برای مردم بد باشند برای خودشان خوبند شما برای خودتان هم خوب نیستید با هم کینه دارید حسد دارید نفاق دارید بغض دارید با هم خوب نیستید کشور خودتان را خراب می‌کنید اون که اموال خود شماست اونها اینجور نیستند اونها ولو باطلند ولی برای خودشان خوبند بِصَلَاحِهِم فِی بِلَادِهِم وَ فَسَادِکُم شما در شهر خودتان مفسدید با همدیگر نمی‌سازید اونها نه در شهر خودشان با همند کفار برای خودشان خوبند در دنیا بدند ولی برای خودشان خوبند برای خودشان امانت دارند برای خودشان صادقند برای خودشان کار دزد نیستند کار خراب کن نیستند حال اینکه شما اینجور هستید چطور بیام با شما کار کنم؟ فَلَوِ ائتَمَنتُ أَحَدَکُم عَلَی قَعبٍ اگر من یک کاسۀ چوبی به یکی از شما امانت بدهم لَخَشِیتُ أَن یَذهَبَ بِعِلاقَتِهِ می‌ترسم وقتی که برمی‌گردانند دسته اش را جدا کرده باشند حالا اینجا صحبت از قیامت هم نیست همون دنیای شما کاری به قیامت هم نداریم نمیگیم که اگر دنبال من نیامدید جهنم می‌روید نه در همین دنیا دنبال نیامدید ذلیل می‌شوید عزت شما از بین می‌رود حداقل عزت خود را در دنیا حفظ کنید حالا کاری به قیامت هم نباشه بفرمودۀ امام حسین علیه السلام یا شیعَةَ آلِ أَبی سفیان! اِن لَم یَکُن لَکُم دینٌ و کُنتم لا تَخافُونَ المَعادَ فَکُونُوا اَحراراً فی دُنیاکُم[[24]](#footnote-24)2 بر فرض اینکه دین ندارید ترس از معاد ندارید لااقل عزت دنیا را حفظ کنید.در جنگ صفین وقتی معاویه پیش دستی کرد شریعۀ آب را گرفت و نگذاشت که آب به امام حسین و لشکر امیر علیه السلام و پیروانش برسه راه را بست خب تشنه ماندند اصحاب گفتند یا امیرالمومنین اجازه بدید حمله کنیم آب را ازشان بگیریم فرمود نه ما شروع به جنگ نمی‌کنیم صبر کنید شاید با مذاکره مطلب حل بشود نامه ای نوشتند به معاویه.معاویه اینجا آمده ایم شاید با مذاکره حل کنیم کار به جنگ و نبرد نرسه پیشدستی کردی آب را گرفتی دستور بده راه را باز کنند و بتوانیم آب برداریم او اعتنا نکرد حتی عمروعاص وزیر و مشاوره اش گفت خب راست میگه علی بی جهت آب را بستی و تازه او هم کسی نیست که تشنه بماند و آب را از تو نتواند بگیره باز اعتنا نکرد چندین بار نامه هی رد و بدل شد عاقبت امام دید چاره ای نیست باید دستور بدهد حمله کنند که آب را بگیرند حداقل این بود در مقابل لشکریانش ایستاد چند جمله ای کوتاه اما خیلی داغ تحریک آمیز صحبت از قیامت هم نیست در این جملات که اگر نکنید جهنم می‌روید نه فرمود که قَدِ اسْتَطعَمُوکُمُ القِتَالَ فَأَقِرُّوا عَلَی مَذَلَّةٍ وَ تأخِیرِ مَحَلَّةٍ أَو رَوُّوا السُّیُوفَ مِنَ الدِّمَاءِ تَروَوا مِنَ الماءِ فَالْمَوتُ فِی حَیَاتِکُم مَقهُورِینَ وَ الحَیاةُ فِی مَوتِکُم قَاهِرِین[[25]](#footnote-25)1 این سخن از قیامت هم نیست در همین دنیا فرمود که این مردم تشنۀ جنگ با شما هستند مانند کسی که گرسنۀ غذاست میخواد حمله کند میخوام به شما حمله کنم شما یا باید با همین ذلّت بسازید یا شمشیرها را بکشید و خون این نابکاران بریزید و از آب روان سیراب بشوید شما وقتی زنده اید که بمیرید اما قاهر و پیروز.شما مرده اید اگر زنده باشید مغلوب و توو سری خور.اگر میخواهید در دنیا همین دنیا عزت پیدا کنید با شمشیر به دست به آب روان برسانید و الا مرده اید شما فَالْمَوتُ فِی حَیَاتِکُم مَقهُورِینَ وَ الحَیاةُ فِی مَوتِکُم قَاهِرِین یا همین چند جمله حرکت داد لشکر حرکت کردند حمله بردند آب را پس گرفتند منظور اینکه در اینجاها طبق قانون عمل کنید حساب آخرت که محفوظ در همین دنیا اگر شما بخواید به عزت برسید برنامۀ دین را عمل کنید سنت خدا اینه تا قیامت هم معلوم اونجا می‌فرماید که یهودیان قالُوا لَن تَمَسَّنَا النّارُ إلّا أیَّاماً مَعدُودَة[[26]](#footnote-26)2 گفتند ما عزیز دردانۀ خدا هستیم احباء الله هستیم و خدا ما را به آتش نمی‌بره اگر هم ببره یه چند روزی مختصر هستیم و بعدش الی الابد زنده ایم بعد فرمود که قُل أَتَّخَذتُم عِندَ اللهِ عَهداً[[27]](#footnote-27)3 مگر خدا به شما محرمانه فرمانی داده سندی داده که شما را نمی‌برد و در موقف حساب شما را استثناء می‌کند این ها عزیز دردانۀ ما هستند ولو تخلف کردند همۀ گناهان را هم کردند اینها مستثنی هستند یه همچین سندی به شما دادیم أَتَّخَذتُم عِندَ اللهِ عَهداً فَلَن یُخلِفَ اللهَ عَهدَهُ أَم تَقُولُونَ عَلَی اللهِ ما لا تَعلَمُونَ[[28]](#footnote-28)4 چیزی که نمی‌فهمید به خدا نسبت می‌دهید؟خدا اینجوریه قاعدۀ کلی بَلَی مَن کَسَبَ سَیِّئَةً وَ أَحَاطَت بِهِ خَطِیئَتُهُ فَأُولَئِکَ أصحَابُ النَّارِ هُم فِیهَا خَالِدُونَ [[29]](#footnote-29)5 مردمی که گناه می‌کنند و گناه فرا گرفته زندگی شان را در جانشان گناهکاری تبهکاری نشسته از عاصم گذشتند عصیم شدند اگر اینجور باشه اصحاب النار هستند اینها.این قاعدۀ قرآنه قاعدۀ کلی ست استثناء هم که نخورده لَیسَ بِأَمَانِیِّکُم وَ لَا أَمَانِیِّ أهلِ الکِتابِ[[30]](#footnote-30)6 نه شما مسلمانها نه اهل کتاب نه یهود و نصرانی آرزوهای شما ملاک نیست مَن یَعْمَل سُوءًا یُجزَ بِهِ هر که عمل بد کند کیفر می‌بیند با کمال صراحت مَن یَعْمَل سُوءًا یُجزَ بِهِ وَ لَا یَجِدْ لَهُ مِن دُونِ اللهِ وَلِیًّا وَ لَا نَصِیراً [[31]](#footnote-31)7 به پیغمبر دستور داد که وَ أَنذِر عَشِیرَتَکَ الأقْرَبِینَ [[32]](#footnote-32)8 اول سراغ خویشاوندان نزدیکت برو قبل از اینکه به ... برسی اینها را اول انذار کن اولا عموهاتو عمو زاده هاتو عمه و خاله و دختر هاشان را انذار کن یعنی به صرف اینکه با تو خویشاوندند ما حساب باز نمی‌کنیم براشان چون خویشاوندان شما هستند حساب علی عده باز کنیم براشان؟ نه اینجور نیست. برای همه یک حسابه وَ أَنذِر عَشِیرَتَکَ الأقْرَبِینَ حتی به خودت می‌گوییم قُل إنِّی أَخَافُ إِن عَصَیتُ رَبّی عَذابَ یَومٍ عَظیمٍ[[33]](#footnote-33)1 بگو من هم که از همۀ مردم به خدا نزدیک ترم اگر من هم گناه کنم ترس از عذاب روز قیامت دارم دیگه چجور قرآن بگه؟یعد ما پیش خودمون دلمون رو خوش می‌کنیم امام حسین را داریم

 چه غم دیوار امّت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

شعر می‌سازیم می‌خوانیم با صدای خوب هم می‌خوانیم بعد عواطف هم تحریف می‌شود و هیچ عیب و نقصی هم نداریم چه غم دارم؟ علی را حسین را دارم چه غم دارم؟ آیا خودشان هم راضی هستند به این مطلب اصلا؟به پیغمبر خطاب میشه قُل إنِّی أَخَافُ إِن عَصَیتُ رَبّی عَذابَ یَومٍ عَظیمٍ یعنی شیعۀ امام حسین در نزد خدا از پیغمبر هم بالاتره چون دوست امام حسینه حالا اگر شیعه هم باشه اسم ما میشه شیعه آیا اون کسانی که دوست امام حسین هستند برای امام حسین سینه می‌زنند اینها از پیغمبر پیش خدا نزدیکترند؟ چون به پیغمبر خطاب شده اگر معصیت کنی عذابه قُل إنِّی أَخَافُ إِن عَصَیتُ رَبّی عَذابَ یَومٍ عَظیمٍ وقتی که أَنذِر عَشِیرَتَکَ نازل شد خویشاوندان نزدیک را انذار کن همه را خواست عموها را دایی ها را همه را یکی یکی یا بنی هاشم اِعملوا لِأنفسکم برای خودتان کار کنید به من مغرور نشوید که من توو شما هستم با من خویشاوندی دارید بنی هاشم کار کنید بنی عبد المطلب کار کنید عمۀ من صفیه برای خودت کار کن حتی یا فاطمة إِعمَلِی لِنَفسِک به دخترش هم فرمود برای خودت کار کن به صرف اینکه دختر من هستی حساب جداگانه ای نداری. إِعمَلِی لِنَفسِک اگر تو میخوای بنده نباشی من نمی‌توانم کاری برای تو انجام بدم برای خودت کار کن ولذا در اون وداع آخرش هم که آمد با امت وداع کند رسول اکرم بعد اونجا فرمود که ایها الناس انه لیس بین الله و بین احد نسب و لا امر یؤتیه به خیرا او یصرف عنه شرا الا العمل مردم بدانید هیچی نمی‌تواند خیر به آدم برساند و شری از او دفع کند مگر عمل. از شما کار خواسته اند کار کنید دین آورده اند دین که ملعبه نیست که پیش خودمون میگیم دوستان ائمه هستیم و سینه می‌زنیم و اشک می‌ریزیم زیارت می‌رویم این کافیه فرمود لیس بین الله و بین احد هیچی به آدم خیر نمی‌رساند و شری دفع نمی‌کند مگر در عمل. الا لا یدّعینٌ مدّعٍ و لا یَتمنّینَّ متمنٍّ پیش خودتان دل خشکونک حرف نزنید آرزوها را در دل نپرورانید والّذی بَعَثَنی بالحقّ قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرده حالا از میان شما می‌خواهم بروم والّذی بَعَثَنی بالحقّ لا ینجی الا عمل و رحمه نجات بخش شما نیست مگر عمل کار کنید برنامۀ دینی را انجام بدید تا رحمت خدا شامل حال شما بشه آخرش این جمله کوتاه را فرمود خیلی تکان دهنده لو عصیت لهدیت من هم اگر نافرمانی کنم سقوط می‌کنم اللهم بلَّغتُ خداوندا رساندم به مردم یعنی اونی که لازم بود گفتم مردم را مغرور نکردم نگفتم خوش باشید من پیامبر شما هستم من دستم زیر سر شماست علی هست و امام حسین هست و نترسید نه شما همه تان درستید اینجور نیست والّذی بَعَثَنی بالحقّ لا ینجی الا عمل و رحمه لو عصیت لهدیت منم اگر نافرمانی کنم از دین تخلف کنم منم سقوط می‌کنم این حرف قرآنه دیگه قُل إنِّی أَخَافُ إِن عَصَیتُ رَبّی عَذابَ یَومٍ عَظیمٍ آخرش هم اتمام حجت کرده اللهم بلَّغتُ خدایا شاهد باش من در حال رفتنم وداع کردم با امت و رساندم حرفت را به مردم.حالا بعد از این خودشان بیان چی بگن دیگه دیگه چی درست کنن مربوط نیست اینه که ما یه قدری به خود بیاییم از آیات قرآن کریم سنت خدا را بشناسیم و زیارت عاشورا خب بفهمیم دعای ابوحمزه را خوب بفهمیم عزاداری را خوب بفهمیم که هدفشان چه بوده معرفت اولیاء یعنی چه؟برائت از اعداء یعنی چه؟در نظام کلی عالم همیشه حق باقیه.حالا چه ما طرفدار باشیم یا نباشیم حق از بین رفتنی نیست حق باقیه باطل هم زاهقه ان البالطل کان زهوقا[[34]](#footnote-34)1 این باطل یه جلوه ای دارد ولی پوچ است اساس نداره حق اساس داره این مسلمه اما به صرف اینکه حق باقیه دلیل بر این نیست که سوء استفاده از حق کرده باشیم حق باقیه ما محروم شدیم.خورشید می‌درخشد در عالم ولی کسی که در و پنجرۀ خود را بسته که خب از نور استفاده نمی‌کند بودن خورشید در عالم کافی نیست خب بله حق باقی ست أَنزلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَودِیَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّیلُ زَبَدًا رَابِیًا[[35]](#footnote-35)2 بله باران از آسمان میاد سیل از کوهستان سرازیر می‌شود دره ها و گودال ها آب می‌گیرند خس و خاشاک هم رو آب حرکت می‌کنند سیل که حرکت می‌کند قهرا خس و خاشاک هم از دشت و بیابان بلند می‌کند رو دوش خودش می‌گیره این خس و خاشاک باطلند پوچند ولی روی آب سوارند روی دوش آب سوارند و همراه آب می‌روند مردم ظاهر بین وقتی نگاه کنند خیال کنند عجب آب دیگه فاتحه اش خوانده شد دیگه آبی در کار نیست چون نمی‌ببینند بچه ها و ظاهر بین ها فقط اون ظاهر جلوه گر را می‌بینند زودگذر و الا آبی در کار نیست هر چه هست همینه اما مردم عاقل خردمند می‌فهمند که هر چه هست همون آبه این کف هم با همون آب درست شده آب اینها را حرکت داده رو دوش خودش آورده و به همین زودی نسیم می‌وزد و اینها می‌خشکند و از بین می‌روند مَا یَنفَعُ النَّاسَ فَیَمْکُثُ فِی الأرضِ[[36]](#footnote-36)3 آب که نافع به حال مردمه در دل زمین فرو می‌رود و زمین را زنده می‌کند گل لاله و ریحان و میوه های فراوان تحویل می‌دهد که این خود قرآن نشان میده أَنزلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَودِیَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّیلُ زَبَدًا رَابِیًا[[37]](#footnote-37) زَبَد یعنی همون کف روی آب خس و خاشاک رَابِی یعنی بالا آمده فَاحْتَمَلَ السَّیلُ یعنی خودشو سوار کرده سیل که حرکت می‌کند قهرا خودشو روی دوش سوار می‎کند ولی اینها اساس نداره فَأَمَّا الزَّبَدُ فَیَذْهَبُ جُفَاءً [[38]](#footnote-38) جُفَاءً یعنی پرتاب شده یعنی باطل به قدری بی اساسه قادر بر نگهداری خودش هم نیست پرتاب میشه ولی کِی؟وقتی که خود جامعه بر اساس حق بجوشد.دیگ وقتی به جوش آمد اون کفشو پرت می‌کند اون کفی که روش آمده اینو پرتش می‌کند جامعه اگر بر اساس حق به جوش و خروش که آمد باطل را پرتش می‌کند از جامعه تردش می‌کند این جُفَاء اینه فَأَمَّا الزَّبَدُ فَیَذْهَبُ جُفَاءً وَ أَمَّا مَا یَنفَعُ النَّاسَ فَیَمکُثُ فِی الأرضِ کَذَلِکَ یَضرِبُ اللهُ الأمثَالَ [[39]](#footnote-39) خدا مثل می‌زند حق و باطل را با سیل و زبد تشبیه می‌کند یعنی همیشه در هر زمان حق و باطل مانند آب و زَبَد با هم مخلوطند یه چند روزی موقتا زَبَد جلوه گری می‌کند رقص کنان روی آب می‌رود اما مطمئن باشید این پوسیدنی ست از بین رفتنی ست ان البالطل کان زهوقا اونی که می‌ماند همون آب است و می‌ماند علی امیر علیه السلام است و می‌ماند حسین شهید علیه السلام است اینها می‌مانند ولی باز ماندنشان دلیل بر این نیست که ما محروم نباشیم از اونها.اونها هستند ولی ما می‌ترسیم محرومیت پیدا کنیم. پس دین تربیتش خیلی عمیقه خیلی اعجاب انگیزه وقتی که در جنگ احد مسلمانها شکست خوردند در اثر یک تخلفی که کردند خیلی کشته شدند مسلمانها منافقین در مدینه شایعه کردند که پیغمبر کشته شده یک زن به نام هنده دختر عبد الله بن عامر عمۀ جابر ابن عبد الله انصاری معروف از مدینه حرکت کرد چون شنید به پیغمبر صدمه خورده حرکت کرد با اضطراب تمام به میدان احد بیاد که خبر بگیره وقتی رسید به میدان با خبر شد که چند تا از عزیزانش شهید شدند شوهرش شهید شده برادرش شهید شده پسرش هم شهید شده جنازه هاش را دید ولی مثل اینکه هیج چیزی نشده گفت رسول الله کجاست؟با این که این سه تا عزیزش از دنیا رفته اند شهید شده اند گفت رسول الله کجاست؟گفتند بحمد الله سالمه گفت خودم باید ببینم آمد خدمت پیغمبر اکرم سلام کرد عرض کرد که کُلُّ مُصیبَةٍ بَعدِکَ جَلَل[[40]](#footnote-40)1 یا رسول الله هر مصیبتی با بودن شما آسانه برای ما چیزی نیست.بعد آمد جنازه هایش را برداشت جنازۀ پدر و شوهر و فرزندش را برداشت بار شتر کرد بر شتر بست که در مدینه دفن کند همونطور که می‌آمد رسید به بعضی همسران پیغمبر که شنیده بودند رسول خدا صدمه دیده اونها هم با اصرار آمده بودن بیرون رسیدند به این زن گفتند چه خبر از میدان؟گفت خبر خوش دارم چیه؟پیغمبر سالمه.حالا هیچ از خودش نمیگه خبر خوش دارم پیغمبر اکرم سالم است و زنده است.بعد گفت خبر خوش دیگه دارم چند گروه از مردان با ایمان ما به شهادت رسیده اند افتخار شهادت نصیبشان شده حتی مال خودش هم باز نگفت همین مقدار از مردان با ایمان ما به شهادت رسیده اند و این افتخار نصیبشان شده و خداوند کفار را با دماغ به خاک مالیده برگردانده این خبر خوش دیگه اصلا نگفت به من چه رسیده است آخر یکی از همسران پیغمبر پرسید این چیه بار شتر چی داری؟فرمود که پیکرهای سه عزیز من هستند شوهر من هست برادر من هست و فرزند من هست.این چه قدرت ایمانیه؟دین اینجوریه اینجوری می‌پروراند به شرطی که در جان آدم پیدا بشود صرف قصه گفتن نباشه در خودش این تحقق پیدا بکند.ابن ابی الحدید می‌نویسد که بعد از واقعۀ کربلا یک مردی از سپاهیان ابن یعد پرسید که شما چجور جنگیدید با اطرافیان امام حسین؟با اینکه اونها هفتاد و دو نفر بیشتر نبودند شما سی هزار جمعیت حداقل برده بودید اونجا.گفت شما خیال می‌کنید که هفتاد و دو نفر عادی بودند؟ما وقتی با جماعتی روبرو شدیم عده شان کم بود ولی وقتی دست به قبضۀ شمشیر بردند و به دفاع از خودشان پرداختند مانند شیرانی بودند که دنبال شکار می‌دود از چپ و راست سواران ما را در هم می‌شکستند خود را به دریای مرگ می‌زدند هیچی مانعشان نبود از مرگ یا فتح و پیروزی امان ما را درآوردن ولذا اگر ما اندکی سستی کرده بودیم احدی از ما باقی نگذاشته بودند خب اینها تربیت دینی هست اما به شرطی که اونهایی که در متن دین قرار می‌گیرند و در جانشان می‌نشیند خلاصه اینکه تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ گذشتگان شهداء کربلا همۀ اینها گروهی بودند گذشته اند

 لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۖ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ [[41]](#footnote-41)1 شما بخاطر شهادت اونها مأجور نمی‌شوید و بخاطر بدی های اونها مصون نمی‌شوید شما خودتان باید کار کنید که خلاصه یه کاری بکنیم که مثل همون قصه نباشه بیمارهایی که دور هم جمع بشوند بیمارهای نسخه بخوان باشند و قصه گویانی باشند که خیال کنند خودشان قهرمان داستانند قصه نگیم قهرمانها را معرفی کنیم بیمار نباشیم که نسخه بخوانیم بلکه نسخه ها را عمل کنیم و قهرمانهایی که بوده اند ما هم به روش اونها حرکت کنیم اگر شدیم خب دستمان به دامنشان حتما ما را نجات می‌دهند شکی درش نیست و ما هم امیدوار این هستیم و دور هم که جمع می‌شویم این خودش یک مرتبۀ از همان پیشرفته.قدم به جلو گذاشته ایم پیش آمده ایم از دیگران امتیاز داریم ما واقعا در خانۀ اهل بیت علیهم السلام سر نهاده ایم در آستانشان این شکی درش نیست ولی مراقب باشیم کاری نکنیم که از ما برنجند و ما را طرد کنند.امروز روز مصیبت سقای کربلا علیه الصلاة و السلامه بعضی جاها نوشته بودند که در بیابان های بی آب و علف تا ده فرسخ آب پیدا نمیشه پرندگان کوچکی لانه می‌گذارند در اون جاها به آب نیاز دارند آب هم در دسترس نیست خداوندی که بعهده گرفته روزی هر روزی خوار را یه حیوان عظیم الجثه ای آفریده که این حوصلۀ بزرگی دارد مانند مشک کوچک این می‌رود از راه های دور این مشک کوچک را پر می‌کند می‌آورد در اون بیایان بی آب و علف روی تلی می‌نشیند و صدای مخصوصی دارد سر می‌دهد اون پرندگانی که تشنه هستند می‌شناسند صدای او را می‌شتابند با سرعت دور او جمع می‌شوند او هم مانند مادری که به بچه اش غذا بدهد از اون کیسه ای که دارد که مَشکی ست که آب درش جمع شده بیرون می‌آورد و منقارش هم خداوند مثل قاشق درست کرده قاشق پهنه یعنی از حوصله اش آب میاد به این منقاری که مثل قاشق بزرگ است هی پرندگان میان آب برمی‌دارند و سیراب می‌شوند و می‌روند صدای این مرغ سقّا صداش برای پرنده ها آشناست تا صدای او به گوششان برسه بال و پر می‌گشایند به سمت او می‌روند حالا ما هم سقایی را سراغ داریم که برای رساندن آب که برای جگر عطشان بچه های امام حسین او بال و پر گشوده بود اما این سقا دست در بدن نداشت بلکه مشک را هم به دندان گرفته بود هی رکاب به اسب می‌زد زبانحالش این بود

 مرغ از منقار سوی آشیان آب آورد کمتر از مرغی نباید بود در اوج وفا

انقدر تیر زدند که بدنش مانند خار پشت شد فَأَخذوهُ بالنبال مِن کلِّ جانِبِ حتَّی صار درعه کَالقُنفُذ مثل مرغی بال و پر درآورده بود انقدر تیر زدند دست در بدن نداشت که ازش دفاع کند اطرافش را گرفتند از چپ و راست و جلو و پشت سر شمشیر بود بر بدنش وارد می‌آمد عاقبت هم عمود آهنین بر فرقش فرود آمد صدایش بلند شد یا أَخاهُ أدرِک أخاه یا دارد هیچ کس سقایی بمیرد تشنه کام

پروردگارا بحرمت امام حسین در فرج امام زمان تعجیل بفرما

به ما توفیق بهره برداری از قرآن و عترت عنایت بفرما

در زمرۀ عزاداران امام حسین ما را محسوب بفرما

حسن عاقبت به همۀ ما کرم بفرما

رحم الله من قرء الفاتحة مع الصلوات

1. . سورۀ بقره، آیۀ 134 [↑](#footnote-ref-1)
2. 1.سورۀ یوسف، آیۀ 111 [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. همان [↑](#footnote-ref-3)
4. 3.همان [↑](#footnote-ref-4)
5. 1. سورۀ اعراف، آیۀ 52 [↑](#footnote-ref-5)
6. 2 سورۀ هود، آیۀ 120 [↑](#footnote-ref-6)
7. 3 . همان [↑](#footnote-ref-7)
8. 4. همان [↑](#footnote-ref-8)
9. 5 .زیارت عاشورا [↑](#footnote-ref-9)
10. 1.دعای ابی حمزه ثمالی [↑](#footnote-ref-10)
11. 1. بحار الانوار، ج 98، ص 359 [↑](#footnote-ref-11)
12. 2. سورۀ احزاب، آیۀ 62 [↑](#footnote-ref-12)
13. 3. همان [↑](#footnote-ref-13)
14. 4. سورۀ اسراء، آیۀ 77 [↑](#footnote-ref-14)
15. 5 . سورۀ انفال، آیۀ 38 [↑](#footnote-ref-15)
16. 6. همان [↑](#footnote-ref-16)
17. 1 . سورۀ فاطر، آیۀ 43 [↑](#footnote-ref-17)
18. 2 .همان [↑](#footnote-ref-18)
19. 3 . سورۀ غافر، آیۀ 85 [↑](#footnote-ref-19)
20. 4 .همان [↑](#footnote-ref-20)
21. 5 . هج البلاغه، خطبه 25 [↑](#footnote-ref-21)
22. 6 . نهج البلاغه، خطبه 27 [↑](#footnote-ref-22)
23. 1. نهج البلاغه، خطبه 25 [↑](#footnote-ref-23)
24. 2 . بحار الانوار، ج 45، ص 49 [↑](#footnote-ref-24)
25. 1. نهج البلاغه، خطبه 51 [↑](#footnote-ref-25)
26. 2. سورۀ بقره، آیۀ 80 [↑](#footnote-ref-26)
27. 3. همان [↑](#footnote-ref-27)
28. 4. همان [↑](#footnote-ref-28)
29. 5. سورۀ بقره، آیۀ 81 [↑](#footnote-ref-29)
30. 6. سورۀ نساء، آیۀ 123 [↑](#footnote-ref-30)
31. 7. همان [↑](#footnote-ref-31)
32. 8. سورۀ شعراء، آیۀ 214 [↑](#footnote-ref-32)
33. 1. سورۀ انعام، آیۀ 15 [↑](#footnote-ref-33)
34. 1 سورۀ اسراء، آیۀ 81 [↑](#footnote-ref-34)
35. 2 . سورۀ رعد، آیۀ 17 [↑](#footnote-ref-35)
36. 3 .همان [↑](#footnote-ref-36)
37. . سورۀ رعد، آیۀ 17 [↑](#footnote-ref-37)
38. . همان [↑](#footnote-ref-38)
39. .همان [↑](#footnote-ref-39)
40. 1. ابن اثیر، ص 107 [↑](#footnote-ref-40)
41. 1. سورۀ بقره، آیۀ 134 [↑](#footnote-ref-41)